



حسنات و

سیئات روح انسان

احتیاجات خود را برطرف کرد ما زاد آنرا به دیگران می دهد درانفاقات واجب اتفاق میکند درموارد مستحب اتفاق میکند و میدهد بعد مورد لزوم خود را هم تکه میدارد این معنی سخاوت است که آن اندازه ای که از او گذشت لازم است میگذرد و البته این با نیاز دیگران فرق میکند گاهی باید یک دهم مال را بدهد و گاهی باید کمتر از یک دهم و گاهی نصف مالش را و گاهی همه مال را باید بدهد سخاوت آن است که گذشت یک انسان طبق روال مکتبی او باشد، سخاوت بهترین صفت انسانی است و بسا سخاوت انسان را از مهمترین مهلکه نجات بخشیده است اما مرحله تفریط این صفت جانی که باید بدهد مضایقه میکند و آن مقدار مسک و بخیل است که هیچ از او بدیگران ترشح نمیکند که سعدی میگوید سنگ اصحاب کهف را به استخوانی نتواختی و گریه ابوحریره را تانی نینداختی یک چنین انسانی است که آنچه که باید بدهد نمیدهد این مرحله تفریط سخاوت است

این صفت از صفات رذیله انسان است، و گمان میکنم که غالب جامعه ما به این مرض گرفتار است، امام صادق (ع) فرمود سخنان ما آئینه دلهاست، سخنان ما را در جلوی چشماتان نگهدارید و با عینک قلبتان به سخنان ما بنگرید. ای انسان همچنان که آئینه جمالت را نشان خواهد داد، برنامه های ما و کلمات ما آئینه ای است که قیافه و جمال روح تورا نشان میدهد، اگر درست دقت کنی می فهمی زیبایی یا زشتی، میفهمی چه هیکلی داری، می فهمی چه قیافه منفوری یا چه جمال داری، خوشا بحال آن انسان که از این آئینه هاز یاد داشته باشد و استفاده کند ای انسان جمال روح را ببین، این جمال را (روح را) امروز زیبا کن که فردا وقتی که این لباس بدن را بکنی و روح در یک عالم دیگر بدون این لباس وارد شود آن قیافه اصلی روح و چهره حقیقی نفست و روانت در میان ارواح و انبیاء و اولیاء ظهور پیدا میکند، نکند خدای نکرده در آن روز ببینی قیافه انسانی نداری عجبا، این انسان در آن روز بیری در نده میشود و این انسان در آن روز رویاهی یا گرازی میشود آری اگر اهل شهوترانی باشی گناه و هوا و هوس قیافه گر از پیدا میکنند، سیاست مداران ییتقوا قیافه رویاه پیدا

و گاهی هم انسان از مرحله صفت شجاعت بالاتر می رود، بدون تصور و تعقل حمله می کند، جایی که نباید برود، می رود و خود را به آب و آتش می زند و یک تنه کاری را انجام می دهد که از نظر عقل و شرع صحیح نبوده است این جا یک مرحله دیگر از ترسیدن است، این ترسیدن را بنام تهور می نامند که نسخه نوعی از جنون است، پس صفت ترسیدن دارای سه بعد است، ترسیدن بهترین فضیلت است، دوم صفت شجاعت است که پیامبر بزرگ در توصیف و تعریف شجاعت فرمود: شجاعت است که پیامبر بزرگ در توصیف و تعریف شجاعت فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّجَاعَةَ وَ يُؤْتِلُ حِمَّةَ
خدا بنده شجاع را دوست دارد و کسیکه صفت شجاعت داشته باشد خدا دوست دارد گرچه شجاعت به این باشد که به ماری و عقربی حمله کند و یک مودعی کوچکی را از بین ببرد این صفت متوسط است، مرحله افراطش تهور است و مغبوض و غیر انسانی است. و مرحله پایین و تفریطش نیز مغبوض است، پس یک صفت متوسط داریم که علماء در این مورد مثال روشنی می فرمایند: «خیر الامور اوسطها»، که شاید این جمله انتخاب و استنباط شده از روایات است و در صفات نفسی هم همین معنا تصور میشود، پس صفت شجاعت متوسط بین تهور و جبن است و مرحله افراط صفت قبیحی است و مرحله تفریط نیز صفت قبیح است، آن حد وسط صفت حسن و از اوصاف نیک انسانی است، مثال دومی که امروز محل صحبت ماست در مسئله بذل مال و جان و بذل مقام است، که مثال صفت سخاوت است در مقامی که باید از مالش بگذرد این صفت گذشت و دادن مال و دادن مقام و دادن جان یکی از صفات کمال انسانی است و انسان سخی را خدا دوست دارد و فرشتگان الله دوست دارند، انسان سخی را بندگان خدا دوست دارند. طبیعی است درجبت هراسانی که انسان سخی را دوست دارند همین صفت سخاوت یک حد دارد، فاصله دارد میان یک مرتبه افراطی و مرتبه تفریطی، مرتبه متوسط که به نام سخاوت نامیده میشود این است که انسان از مالی که دارد، در آن راهی که اسلام و عقل و شرع میگوید بگذرد، میگذرد یعنی مقدار مالی را که دارد بعد از آنکه

مقدمه: در سلسله درسهای حضرت ایت ... مشکینی مطالبی پیرامون حیا و انواع آن و حب ریاست و نقش آن در روح انسان مورد بررسی قرار گرفت، در این شماره بحثی پیرامون صفات انسانی از نظر شما خوانندگان عزیز می گذرد.

بسم الله الرحمن الرحيم
علماء اسلام هنگامیکه علم روح و علم روان را بررسی می کنند، برای روان انسانی صفتهای مختلفی را میبینند، در مقام سنجش و شرح صفات انسانی صفتها را بدو قسم تقسیم میکنند:
۱- صفات حسنه و زیبا ۲- صفات رذیله و زشت
در مقام سنجش این صفتها یک قانون کلی بیان میکنند و میگویند هر صفتی را بخواهیم ببینیم و تصور کنیم، میبینیم آن صفت دارای ۳ حد است یک حد، حد متوسط آن صفت است و یک حد افراط و یک حد تفریط پس هر صفت دارای سه شاخه و سه شعبه است یک شعبه آن (متوسط) که از صفات حسنه است و دو شعبه دیگر از صفات رذیله می باشد مبیاب مثال: در صفت سخاوت و در صفت شجاعت وقتی که علماء شرح میدهند میگویند مثلا صفت شجاعت یعنی یاداری در مقابل دشمن و حوادث داشتن است، گاهی یاداری در جایی است که باید باشد ترسیدن در محلی است که باید انسان نترسد، بحکم شرع و بحکم عقل باید در آنجا نترسید و یادار بود، دشمنی به انسان حمله کرده و اسلحه او همان است که شما هم از آن اسلحه دارید و ممکن است شما اگر در این حمله مقابله کنید اقلا خود را نگهدارید یا بیروز شوید اینجا جای ترسیدن و حمله کردن و مبارزه کردن است، یا دزدی وارد خانه میشود میتواند داد بزنید و یا جویی و اسلحه ای بردارید و با دزد مبارزه کنید و او را یا بکشید یا بیرون کنید یک چنین موردی جای ترسیدن است، ترسیدن در این مورد شجاعت است، گاهی در همین موارد انسان ترسو است و آنجان میترسد که با فرار میگذارد خود را تنگین میکند مال و ناموسش را در اختیار دیگران قرار میدهد و جانی که نباید بترسد، میترسد این مرحله تفریط تفریط صفت شجاعت است

رسنهایی از انسان مسکینی

سوره اسراء آیه ۲۲ تا ۳۹ خداوند احکامی را بیان کرده است این نکته را دوستان متوجه شوند خدا در قرآن در دو مورد (تا آنجا که بنده رسیده ام) احکام زیادی را یکجا بیان کرده در این آیه بانزده حکم ایجابی و الزامی و بانزده حکم تحریمی اعم از اعتقادی و عملی بیان کرده و پس از بیان این ۳۰ حکم میفرماید: اینها که من بیان کردم از قبیل حکمتهایی است که من شما میآموزم اینها حکمت است و بیاموزید در این ضمن این جمله را بیان میکند که آیه ۲۹ اسراء است.

«وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا»

پیامبر، ای شنونده دست را بگردن بستن کنایه از اینکه دستت باز نشود و هیچ اتفاقی در راه خدا انجام ندهی (این زشت است و این بخل است پیامبر از این صفت دوری کن (لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك) این صفت تفریط را در این آیه بیان کرده دنبالش میفرماید «ولا تبسطها كل البسطه و دست را کاملا باز نکن. که هر چه داری بدهی این مرحله اسراف است که اگر چنین کنی (فتقع ملوما محسورا) در حالی که خود را ملامت میکنی، محسور میمانی (محسور آن حیوانی را گویند که بقدری لاغر شده و نیرویش از دست رفته قدرت حرکت ندارد) اگر چنین اتفاقی بکنی تو هم محسور می شوی نیروها را از بین میبرد قدرت پیدا نمیکنی این دو مرحله را اینجا بیان کرده است. مرحله افراط و مرحله تفریط. بگمانم من روایتی دیدم از امام صادق (ع) که برای روشن کردن این مطلب که سخاوت چیست و بعد از سخاوت مرحله افراطش (اسراف) و مرحله تفریطش چیست فرموده است حضرت برای عوام با یک مثال عوامانه مطلب را روشن کرد. دست برداشتی از شن برداشت دستش را بالا برد و چنان باز کرد که هیچ در دستش نماند. فرمود: این یک رقم اسراف و تذبذب است. بعد یک مشت دیگر از شن برداشت محکم گرفت و نگذاشت هیچ بریزد فرمود این بخل است و بعد یک قبضه دیگر گرفت و دست را نیمه باز کرد و مقداری ریخت و مقداری ماند فرمود این سخاوت است آن مقدار که نیاز داری نگه دار و آن مقدار که باید بدهی بده. انسان باید چنین باشد. آیه دیگر در اواخر سوره فرقان است که خدا در آن جاز دوستان خود صحبت میکند. نه از صفات حسنه و رذیله. برای دوستانش آنجا دوازده وصف بیان میکند که وصف پنجم همین صفت است که مورد بحث ماست دلم میخواهد که دوستان این آیات را درست دقت کنید.

بقیه در صفحه ۲۹



*** سخاوت یعنی انسان از مالی که دارد، در آن راهی که اسلام و شرع می گوید، بگذرد. یعنی مقدار مالی را که دارد بعد از آنکه احتیاجات خود را برطرف کرد مازاد آنرا به دیگران بدهد و در موارد واجب و مستحب انفاق نماید.**

*** علماء اسلام هنگامیکه علم روح و روان را بررسی می کنند، برای روان انسان صفت‌های مختلفی را می بینند، در مقام سنجش و شرح صفات انسانی صفتها را بدو قسم منقسم می کنند: ۱- صفات حسنه و زیبا ۲- صفات رذیله و زشت.**

میکنند و انسانهای بیتقوای فاسق و درندگان و جنگ آوران بیاطل و توسعه کشورها بشکل گرگها و روباه ها در می آیند این قیافه انسان است که در عالم دیگر روشن میشود امام میفرماید: سخنان ما را بگیرید و مطالعه کنید قیافه و جمال خود تا ترا زیبا کنید چهره رویتان را چهره آدمی کنید که پیامبر گرامی به آئینه نگاهی میکرد و میگفت «اللهم كما حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقی» ای خدا چهره ظاهری مرا در این آئینه به من نشان دادی زیبا هستم، خدا چهره باطن مرا زیبا تر قرار بده، بنابراین سخاوت یکی از صفات پسندیده انسان است. صفتی که در جای خودش (جانی که ... فرمود) بده، میدهد. پائین تر از او مرحله پائینش و تفریطش صفت بخل است که از زشتترین صفات انسانی است و بخیل پیش ... مبغوض است «ان الله یبغض البخیل و ان الملائکه یبغض البخیل و ان الناس یبغضون البخیل»

هم خدا از انسان بخیل بدش میاید و هم فرشتگانش و هم بندگان صالحش. مرحله افراط این صفت سخاوت مرحله اسراف و تذبذب است آن هم باز صفت زشت است. اسراف واژه ای است که شاید برای کسانی روشن نشده باشد این واژه راعمضی میکند. این همه در آیات و روایات سخن از اسراف گفته شده و شما در کمترین موردی در کتب فقهیه می بینید که معنی حقیقی اسراف را روشن کرده باشند. اسراف سه مصداق دارد: مصداق اول آن اینست که انسان مالی را بی جهت و بدون غرض عقلانی تلف کند. اگر شما خوب کبریت را بی جهت بسوزانید و دور بیاندازید این مرحله ای از اسراف است و یا یک استکان را بی جهت بزنید و بشکنید این اسراف و گناه است ولو میلیارد باشید، اگر مالی را بی جهت تلف کنید اسراف است چه کوچک و کم باشد یا زیاد باشد این یک مرحله از اسراف است و شرعا اینها اتلاف مال و حرامست. مصداق دیگر اسراف عبارت از مصرف کردن مال در حرام (چه کم و چه زیاد) می باشد یک ریال در حرام مصرف کردی اسراف کردی نصف مالت را بیک نیازمند دادی اسراف نکردی. اسراف مصرف در حرام است. مالی که در عرق و ورق و در جاهای دیگر مصرف میشود تمام اینها مصداق دوم اسراف است.

مصداق سوم اسراف اینست که وقتی انسان خودش نیاز دارد، همه اموالش را یکدفعه بر میدارد و بیک گدائی و غیر گدائی که میتواند آن هم زندگی خودش را اداره کند میدهد و خود بگدائی میافتد. این هم خود نوعی از اسراف است پس مرحله بالا و افراط سخاوت عبارتست از اسراف و تذبذب اسراف مرحله اولش است و تذبذب بالاتر از آن است و هر دو قریب هم معنی میدهند پس سخاوت متوسط بین (اسراف و تذبذب) و بخل است.

من و آیه از چندین آیه که در این مورد است من باب مثال عرض می کنم که شاید در برخی از اوصاف کمال با قرآن آشنا تر شویم یک آیه در

گزارشی از سمینار سراسری.....

جهاد هم به این انسجام و مرکزیت برسد مشکلات حل می‌شود، موقعی جهاد و سپاه می‌تواند از امکانات هم استفاده کنند که این دو در یک سازمان متمرکز از یکدیگر باخبر باشند برادر رفیق دوست در پایان اظهار امیدواری کرد که به توفیق خدا بتوانیم همان افراد جهادی و سپاهی که از روز اول بودیم، باقی بمانیم.

* گزارش «کمیسیونها»

در ادامه جلسه صبح در بعدازظهر روز پایانی گزارش کار بوسیله نمایندگان کمیسیونها ارائه گردید، نخست نماینده کمیسیون خرید گفت: با صحبتها و تجزیه و تحلیلهایی که برادران کردند کل جریان «خرید متمرکز» به تأیید اکثریت قاطع رسید ولی در مورد تقسیمات کاری و تشکیلاتی، با توجه به کمبود وقت و بیجیدگی و مهم بودن این مسئله، به یک جمع بندی کامل نرسیدیم و قرار بر این شد که هیئتی مسئول پی گیری این مسئله شود و نتیجه را به شورای مرکزی یا هماهنگی ارائه نماید. سپس نماینده کمیسیون انبار گفت: با مسئله انبار از سه جنبه: سیستم اطلاعاتی - سیستم فیزیکی و کنترل موجودی، می‌توان برخورد کرد که مورد سوم لازم به بحث نیست، چون اطلاعات از آمار دقیق نیست و شرایط بازار نیز در دست ما نیست و مدار انبارهای

فروش هم باید به همین نحو باشد، از این رو، واحد فروش در دفتر مرکزی و تمام مراکز استانها تشکیل خواهد شد و کلیه تولیدات صنعتی و کشاورزی استانها و کالاهای واسطه‌ای که جهت خدمت بیشتر به روستائیان در اختیار آنها قرار داده شده را به فروش خواهد رساند. و مسئله دیگر، کنترل فروش و قیمت گذاری است که میانگین هزینه‌های حمل و نقل و انبارداری و تخلیه است همچنین مسئله صادرات جهت عرضه محصولات به خارج از کشور.

وی در پایان گفت: تشکیلات فروش شورایی است، مرکب از کمیته‌های کشاورزی، فنی، امورمائی و یک نفر هم از واحد تدارکات که نماینده تدارکات، همان مسئول واحد فروش خواهد بود همچنین پیش‌بینی شد که واحد فروش، قسمتهای اطلاعات و بازاریابی، انبار، صادرات و نمایشگاه و فروشگاه را زیر پوشش خود بگیرد. سپس در کمیسیون تشکیلات در مورد هدف از تشکیل تدارکات صحبت شد و سمینار در بعدازظهر روز سه شنبه مورخ ۶۱/۱۰/۲۱ به کار خود پایان داد.

دفتر مرکزی، در زمینه فیزیکی کار می‌کنیم که اطلاعاتش، تقریباً از یارسال شروع شده و در زمینه سیستم اطلاعاتی کالا، ما باید رابطه‌های منطقی تری برای تبادل آن پیدا کنیم تا بتوانیم در شناسایی بهتر کالا و سفارش به موقع، پیشرفت کنیم و همچنین در رابطه با مشکلات مالی با حضور مسئول امور مالی دفتر مرکزی، کر کمیسیون بحث و تبادل نظر به عمل آمد و طرح پیشنهادی و مسائل مربوط به حفاظت و نگهداری کالا بررسی شد که موارد زیر به تصویب اعضای کمیسیون رسید: ۱- با مسائل انبار و انبارداری، باید به شکل صحیح و علمی برخورد کرد. ۲- ضرورت یک سیستم اطلاعاتی مناسب که قدرت ثبت اطلاعات دقیق و پاسخگویی به کلیه نیازها را دارا باشد. ۳- اجرای طرح پیشنهادی دفتر مرکزی در مورد انبارها. ۴- ضرورت بررسی طرح در ابعاد مختلف سیستم فیزیکی انبار. ۵- جهت اطلاع استانها، گزارش کار در زمینه مسائل فیزیکی ارسال شود.

در ادامه گزارشها، نماینده کمیسیون فروش گزارش طرح فروش را اینچنین شرح داد: از آنجا که خط‌مشی و سیاست کلی جهاد، تمرکز در کارهاست.

سخنی با اعضای.....

- مستثنی و مشخص می‌شود
- ۳- منظور اصول نیکو- اقتصادی اسلام چیست بلکه انسانی است که در اعتقاد و اصول مردمی افراد جامعه نقش اساسی داشته و آنها را رنگ انبوی و توجیه حید
 - ۲- اقتباس از صفحه ۵۷ جلد دوم جهان بینی توحیدی نوشته استاد شهید مرتضی مطهری
 - ۱- اقتباس از صفحه ۵۸ جلد دوم، جهان بینی توحیدی استاد مطهری
 - ۶- اقتباس از صفحه ۶۶ جلد دوم، جهان بینی نوشته استاد مطهری
 - ۷- اقتباس از سیر تحول این نوشته مهدی نازرگان
 - ۸- در این تعریف دین را بر اثر از فرهنگ گرفته‌اند
 - ۹- ایجاد تحول مسئله فعالیت های مکانیکی نیز میباشد
 - ۱۰- از آیت ۲ سوره جمعه و ۱۵۷ سوره اعراف و ۲۶ سوره حمید استفاده شده است.

بافسلس» و بدین ترتیب مردم را از درون به انقلاب حواریه و از بیرون به قیام و جلوتوقف و انحطاطشان گرفت. سده در مسیر حرکتی متعالی و انقلابی دانسی قرار گیرند (۱۰) آری ایجاد چنین انقلاب و بنیامی (تحول الهی) در مردم است که آنانرا بصمت حاکمیت بافتن دین (اسلام) در همه ابعاد زندگی‌شان هدایت نماید و اینست کار انبیاء و مفهوم کار فرهنگی

- ۱- برای توضیحات بیشتر راجع به فرهنگ و دانش انواع فرهنگ به مقالات استاد محمد تقی جعفری در نامه استاد مطهری صفحات ۲۹۹ تا ۳۱۵ مراجعه فرمائید
- ۲- اومانیستی یعنی محور اصلی جهان را انسان بی خدا دانستن و انسان را در برابر خدا اصالت دادن لذا از نظر ازمونیست لزومی نمی‌یابد که انسان خودش را کبیبه خدا بشازد و بروزش دهد زیرا خود را مجموعه‌ای از اروس ها

حسنات و سیئات

من بنحو فهرست این دوازده صفت که خدا برای بندگانش بیان میکند خدمت شما عرض می‌کنم: برخی از علما می‌گویند وقتی که ما قرآن را میخوانیم و ببینیم خدای ما با ما سخن میگوید متوجه میشویم گاهی به ما خطاب میکند و ما را به خودش نسبت میدهد، میگوید: «قل یا عبادی» ای بندگان من و «عباد الرحمن»: بندگان رحمان، لذت این اضافه تشریفه از ذائقه روح من زائل نمیشود «بارک الله» به این محبت و به این علاقه، خدا مرا ایقدر عظمت دادی که مرا بخود نسبت دادی، خدا بزرگم کردی، خدا انسانه آفریدی خدا تشریفات انسانی بمن دادی وقتی خطاب به من «عباد الرحمن» یا «عبادی» میگوئی من بنام جهان آرام نازید و به تمام فرشتگان خواهم بایلد که یک چنین مقامی را دارم در این آیه شریفه که در اواخر سوره فرقان است چند وصف را برای بندگان خودش بیان می‌کند: (ادامه دارد)

توضیح:
در شماره گذشته عملکرد ۶ ماهه اول سال جاری جهادسازیگی استان آذربایجان شرقی استیفاها بعنوان عملکرد استاد مذکور از بنو تائیس به جا رسیده بود که بدینوسیله اصلاح میگردد

تصحیح:
در شماره قبل آمار فعالیتهای شورای اسلامی روستائی بیرم لارستان تحت عنوان عملکرد جهادسازیگی شهرستان لار تیر شده بود که بدینوسیله اصلاح میگردد